

تحلیل جغرافیایی زمینه‌های شکست عملیات فروغ جاویدان و پیروزی عملیات مرصاد

کیومرث یزدان پناه درو، آرش نصیری زرقانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

چکیده:

برای مطالعه و بررسی جنگ‌ها و عملیات‌های نظامی در دوره‌های زمانی گوناگون و همچنین پی بردن به علل شکست‌ها و پیروزی‌ها در صحنه‌های نبرد، بایستی به عامل جغرافیا توجه ویژه‌ای نمود. عملیات فروغ جاویدان که از سوی سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در سوم مردادماه سال ۱۳۶۷ و پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد توسط جمهوری اسلامی ایران آغاز شده بود، با بسترها و عوامل جغرافیایی ارتباط تنگاتنگی دارد. به این معنا که علاوه بر راهبردها و تاکتیک‌های نظامی که حتماً می‌بایست با در نظر گرفتن ویژگی‌های جغرافیایی منطقه طرح‌ریزی می‌شد، علل شکست سازمان در این عملیات و در سوی مقابل پیروزی عملیات مرصاد نیز پیوستگی مستقیم و قابل ملاحظه‌ای با عوامل جغرافیایی داشته است. از این جهت، پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی قصد دارد به تحلیل جغرافیایی عملیات فروغ جاویدان بپردازد و به این پرسش پاسخ دهد که عوامل جغرافیایی چه نقشی در شکست عملیات فروغ جاویدان و پیروزی عملیات مرصاد داشته‌اند؟ بررسی‌ها و نتایج پژوهش نشان داده است که عوامل طبیعی و انسانی شامل توپوگرافی منحصربه‌فرد استان کرمانشاه و موقعیت دفاعی تنگه چهارزبر واقع در ۳۴ کیلومتری غرب کرمانشاه و همچنین ایجاد تراکم شدید انسانی و راه‌بن‌دان سنگین توسط مردم جنگ‌زده در محدوده دشت حسن‌آباد و در محور جاده اسلام‌آباد غرب - کرمانشاه، از مهم‌ترین علل ناکامی سازمان و شکست عملیات فروغ جاویدان محسوب می‌شوند که درنهایت منجر به پیروزی عملیات مرصاد از سوی نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران گردید.

واژگان اصلی: سازمان مجاهدین خلق، فروغ جاویدان، عملیات مرصاد، استان کرمانشاه، عوامل جغرافیایی.

۱. دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

جنگ از نخستین پدیده‌های زندگی بشری است که فارغ از پیامدهای منفی و فاجعه‌باری که در پی دارد، وقوع آن همواره محتمل خواهد بود. تا هنگامی که گروه‌های مخالف با هدف‌ها و سیاست‌های متضاد وجود دارند و تا هنگامی که نیروهای مسلح وسیله‌ای برای تأمین سودمندی و ابزاری برای پیشبرد مقاصد سیاسی باشند، توسل به جنگ وجود خواهد داشت (عزتی، ۱۳۹۳: ۲۲). از دیرباز تاکنون عامل جغرافیا نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد عملیات‌های نظامی داشته است. به این معنا که علاوه بر تعیین مسیرهای پیشروی نیروها، در نظر گرفتن عوارض جغرافیایی همچون ارتفاعات، تنگه‌ها، راه‌ها، جنگل‌ها، دشت‌ها و... برای پیروزی در نبرد و رسیدن به مقاصد جنگی، از ملزومات غیرقابل انکار می‌باشد. از این جهت، در بررسی‌های مربوط به جنگ و تحلیل عملیات‌های نظامی، جغرافیا و نقش عوامل جغرافیایی در پیروزی‌ها و شکست‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد که عمدتاً در چارچوب علوم چون جغرافیای نظامی، ژئواستراتژی، جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک بررسی می‌شود.

از آنجا که بسیاری از جنگ‌ها، در گذشته و در بستر زمان رخ داده است، بنابراین برای بررسی رویدادها و پدیده‌های مرتبط با آن، ناچار به انجام مطالعات تاریخی هستیم. بی‌تردید بررسی‌های تاریخی به‌ویژه عملیات‌های نظامی که در بازه‌های زمانی مشخص انجام گرفته‌اند، بدون در نظر گرفتن ابعاد جغرافیایی آن، ابتر خواهد ماند. چراکه تاریخ دقیقاً به ما می‌گوید که چه رویدادهایی رخ داده‌اند، اما جغرافیا مسئول روشن کردن آن است. جغرافیا نقش مهمی در نتیجه جنگ دارد و نادیده گرفتن چنین موضوع مهمی برای مطالعات جغرافیایی و تاریخی منجر به درک ناقص از وقایع خواهد شد. جغرافیای جنگ یک منطقه، مطالعاتی پیچیده و در عین حال مهم است که برای درک کامل ماهیت نبرد، نیاز به توجه دارد. استراتژی‌ها، روش‌ها و نتایج جنگ همگی به جغرافیا و شاخه‌های آن مربوط می‌شوند: آب‌وهوا، توپوگرافی، ژئومورفولوژی یا هر ویژگی فیزیکی که ممکن است مانع یا کمک به رقبا و دشمنان در جنگ شود (Haning, 2009: 32).

جنگ تحمیلی هشت ساله ایران و عراق، از آخرین و مهم‌ترین جنگ‌های اواخر قرن بیستم به شمار می‌رود که نه تنها دو کشور و مردم آن را درگیر مسائل متعدد جنگی کرد، بلکه منطقه جنوب غربی آسیا را به‌طور مستقیم تحت الشعاع قرار داد. در این مدت هشت سال عملیات‌های متعددی از سوی طرفین به انجام رسید و پس از آنکه سازمان مجاهدین خلق - که از شناخته‌شده‌ترین

دشمنان نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آمدند - در عراق مستقر شدند، عملیات‌هایی نیز از جانب آنان در جبهه‌های عراق علیه خاک ایران انجام شد که آخرین آن‌ها عملیات فروغ جاویدان بود.

عملیات فروغ جاویدان که پس از مدت کوتاهی توسط نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران طی عملیات مرصاد با شکست مواجه شد، دارای ابعاد جغرافیایی قابل ملاحظه‌ای بود. با توجه به ضرورت و اهمیت تحلیل جغرافیایی رویدادهای تاریخی به‌ویژه جنگ‌ها و نبردهای نظامی، پژوهش حاضر در صدد است به این پرسش پاسخ دهد که عوامل جغرافیایی در شکست عملیات فروغ جاویدان و پیروزی عملیات مرصاد چه نقشی داشته‌اند؟ مفروض چنین است که با توجه به شرایط نبرد و رویدادهای رخ داده شده در بازه زمانی عملیات، عوامل جغرافیایی همچون توپوگرافی استان کرمانشاه، نقش دفاعی تنگه چهارزبر و همچنین ایجاد ترافیک سنگین محدوده حسن‌آباد، در جلوگیری از پیشروی نیروهای دشمن نقش قابل توجهی ایفا کردند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر در گروه تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد که نوع آن کیفی می‌باشد. از آنجا که تحقیق کنونی دارای ماهیتی تاریخی است، سعی دارد با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و مستندات تاریخی مربوط به عملیات فروغ جاویدان، ابعاد جغرافیایی شکست سازمان مجاهدین خلق در عملیات مزبور را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. لذا چون هدف مقاله، ارائه تحلیلی جغرافیایی از موضوع فوق می‌باشد، بدیهی است که بایستی از ابزارها و مهارت‌های جغرافیایی نیز بهره گرفته شود؛ به این جهت برای نمایش این موارد به‌ویژه در زمینه موقعیت محدوده، حرکت نیروها، اهداف عملیات و علل شکست آن، از ابزار Arc GIS استفاده شده است.

پیشینه پژوهش

شرح عملیات فروغ جاویدان و عملیات مرصاد در بسیاری از آثار حوزه دفاع مقدس، جنگ تحمیلی و البته پژوهش‌های مرتبط با سازمان مجاهدین خلق (منافقین) نمود پیدا کرده و مورد بحث قرار گرفته است، اما تحقیقات علمی و متقنی که مشخصاً این دو عملیات را مطالعه کرده باشند، معدود و انگشت‌شمارند. با این حال، در جدول ۱ به مهم‌ترین آثاری که در این زمینه و

همچنین در مورد موقعیت دفاعی محدوده جغرافیایی عملیات‌های مذکور به رشته تحریر درآمده، اشاره شده است.

جدول ۱: پیشینه پژوهش پیرامون موضوع عملیات فروغ جاویدان

ردیف	عنوان اثر	پژوهشگر (سال)	معرفی اثر
۱	بررسی تأثیر توپوگرافی بر دفاع سرزمینی مطالعه موردی: محور قصرشیرین - کرمانشاه	کریمی و همکاران (۱۳۹۸)	در این پژوهش، ژنومورفولوژی و توپوگرافی محور قصرشیرین - کرمانشاه بررسی شد و اذعان گردید که کلیدی‌ترین محور جهت پیشروی به درون خاک ایران، محور مزبور می‌باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ارتفاعات منطقه تأثیر مهمی در دفاع از کشور دارد و عوامل جغرافیایی نظیر توپوگرافی در محور قصرشیرین - کرمانشاه بر دفاع سرزمینی استان کرمانشاه تأثیرگذار می‌باشد.
۲	بررسی و تحلیل دلایل تهاجم و شکست منافقین در عملیات فروغ جاویدان و دستاوردهای عملیات مرصاد	حسینی و صفری (۱۳۹۶)	عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری منافقین برای حمله به ایران در سه بعد: عوامل داخلی ایران، عوامل درون سازمان و شرایط جهانی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین عوامل مؤثر بر ناکامی عملیات فروغ جاویدان مواردی چون توانمندی‌ها و قابلیت‌های سپاه پاسداران، نقش حضور نیروهای داوطلب مردمی، نقش واحدهای هوایی و تأثیر جغرافیایی محور عملیات بر استراتژی عملیاتی سازمان شناخته شدند.
۳	عملیات مرصاد و سرنوشت منافقین	صدرشیرازی (۱۳۹۲)	در مورد عملیات فروغ جاویدان و پیروزی عملیات مرصاد مواردی چون عملکرد ارتش عراق در یاری‌رساندن به منافقین، تعداد و گونه‌شناسی نیروهای سازمان، اهداف و زمان‌بندی عملیات، مراحل و دستورالعمل‌های عملیات، شرح عملیات، حملات نیروهای هوایی و زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران به سوی دشمنان و سرانجام نتایج و

ردیف	عنوان اثر	پژوهشگر (سال)	معرفی اثر
			دستاوردهای عملیات مرصاد مورد بررسی قرار گرفتند.
۴	بررسی نقش سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در جنگ هشت ساله ایران و عراق	رضایی حسین‌آباد (۱۳۹۲)	در این پژوهش، عملکرد سازمان از ابتدای آغاز جنگ تحمیلی تا پایان آن مورد تأکید قرار گرفت. در بخش عملیات‌های سازمان در جنگ و به‌ویژه عملیات پایانی آن‌ها یعنی فروغ جاویدان، به شرح عملیات، ترکیب و ساختار نیروهای سازمان و پیامدهای شکست عملیات که متوجه سازمان شده بود، پرداخته شده است.
۵	عملیات فروغ جاویدان بن‌بست در استراتژی	شبنانی (۱۳۸۵)	این پژوهش ضمن بررسی فعالیت‌ها، اهداف و استراتژی‌های سازمان در عراق و همچنین شرح عملیات‌های این سازمان در جریان جنگ تحمیلی، به ابعاد گوناگون عملیات فروغ جاویدان پرداخته و دلایل شکست این عملیات را مورد بحث قرار داده است.

ترسیم: (نگارندگان، ۱۴۰۳)

همانطور که در پژوهش‌های انجام‌شده قابل مشاهده است، ابعاد جغرافیایی این عملیات‌ها به‌طور مشخص و مجزا مورد بررسی قرار نگرفته و علیرغم اینکه در این آثار اشاراتی به مسیر حرکت نیروها، نقشه عملیاتی و اهداف جغرافیایی آن‌ها رفته، لیکن تحقیق مستقلاً با تأکید بر تحلیل جغرافیایی صورت نگرفته است. لذا پژوهش کنونی قصد دارد با توجه به خلاء مطالعاتی موجود، به تحلیل جغرافیایی عملیات فروغ جاویدان و عملیات مرصاد مبادرت ورزد.

مبانی نظری و چارچوب مفهومی

تاکتیک بلیتز کریگ

بلیتزکریگ^۱ یا حمله رعدآسا، تاکتیک نظامی محاسبه شده برای ایجاد شوک روانی و در نتیجه بی‌نظمی در نیروهای دشمن از طریق استفاده از غافلگیری، سرعت و برتری در تجهیزات یا قدرت آتش است. حمله رعدآسا معمولاً با آلمان نازی در طول جنگ جهانی دوم شناخته می‌شود، چراکه آلمان توانست با کمک این تاکتیک به فرانسه حمله‌ور شود و به پیروزی برسد. بلیتزکریگ شامل همکاری نظامی شدید بود؛ زیرا نیروی هوایی هم از نیروهای زمینی و هم از توپخانه سنگین در یک حمله سریع و شدید پشتیبانی می‌کرد. این استراتژی به این هدف بود که دشمن را از نظر روانی سردرگم و غافلگیر کند. قابل توجه‌ترین جنبه بلیتزکریگ اتکای شدید آن به حملات هوایی به‌ویژه در ابتدای آن بود (Wiebe, 2019: 38). البته هرچند که نیروی هوایی و زرهی در این نوع جنگ حائز اهمیت است، اما پیاده نظام همچنان بدنه اصلی می‌باشد. این واقعیت که تانک‌ها و نیروی هوایی در این نوع تاکتیک به‌طور خیره‌کننده‌ای به کار گرفته شوند که پیاده نظام با مقاومت کمی روبرو گردد، از اهمیت پیاده نظام نمی‌کاهد (Huthwaite, 1941: 34). در واقع در تاکتیک بلیتزکریگ هرچند وجود نیروی هوایی و زرهی شرط لازم است، اما محوریت اصلی با نیروهای پیاده‌نظام می‌باشد.

اولین چیزی که در این تاکتیک توجه را جلب می‌کند، پیشروی خطی است که سرعت و شدت نیروها را افزایش می‌دهد؛ زیرا پیشروی ثابت در کل جبهه با حفظ ارتباط همه واحدها با واحدهای کناره‌ای خود و اجتناب از اتلاف وقت در طول مسیر از شاخصه‌های اصلی تاکتیک بلیتزکریگ است. این تاکتیک در نوع خود مناسب بوده و می‌تواند کارایی داشته باشد اما گُند و احتمالاً پرهزینه است چراکه مستلزم استفاده از زمین نامناسب و همچنین مناسب و هدف قرار دادن مستقیم نقاط قوی دشمن به جای احاطه و محاصره آن‌ها است (Huthwaite, 1941: 35).

جنگ‌های آزادیبخش

تشکیل ارتش‌های آزادیبخش و گروه‌هایی که نبرد رهاییبخش انجام می‌دادند، در قرن بیستم و در بسیاری از کشورها سابقه داشته است. از مهم‌ترین ارتش‌های آزادیبخش قرن بیستم و دوره

¹ blitzkrieg

جنگ سرد می‌توان به ارتش آزادیبخش خلق چین^۱، ارتش آزادیبخش ملی بولیوی^۲، ارتش آزادیبخش کوزوو^۳، ارتش آزادیبخش لسوتو^۴، ارتش آزادیبخش ملی یوگسلاوی^۵، ارتش آزادیبخش ویتنام^۶، ارتش نوین خلق فیلیپین^۷، ارتش آزادیبخش ملی زاپاتیستا در مکزیک^۸ و... اشاره کرد.

اهداف تشکیل این گونه گروه‌های نظامی با توجه به شرایط هر کشور متفاوت بود؛ در برخی از کشورها، نیروهای آزادی‌خواه برای بیرون راندن قوای بیگانه از کشور خود به تأسیس یک جبهه متشکل نظامی مبادرت می‌ورزیدند و در برخی دیگر نیز برای سرنگونی نظام حاکم نیروهای خود را جهت نبرد مسلحانه سازماندهی می‌کردند. برای نمونه نبرد رهاییبخش خلق ویتنام، با اهدافی چون به دست آوردن مجدد استقلال کشور، واگذاری زمین به دهقانان و تضمین حقوق آنان و دفاع از دستاوردهای انقلاب ارضی تشکیل شد و دشمن اصلی آن امپریالیست‌های متجاوز حاضر در این کشور بودند (جیاپ، ۱۳۵۸: ۲۲). همچنین می‌توان به ارتش نوین خلق فیلیپین اشاره کرد که در سال ۱۹۶۹م با ۶۰ نفر زن و مرد و ۳۵ ابزار جنگی قدیمی، مبارزه را با استعمارگران آغاز کرده بود (جبهه فیلیپین متحد، ۱۳۵۸: ۳۱). از نمونه‌های دیگر، کشور لسوتو می‌باشد و دلایلی که برای تشکیل ارتش آزادیبخش لسوتو ارائه شد نیز عبارت بود از مقابله حزب BCP^۹ با رژیم تمامیت‌خواه لئابوا جانانان^{۱۰} (Pherudi, 2001: 267).

در ایران، به نظر می‌رسد تشکیل چنین نیروهایی برای نخستین بار به دهه ۱۳۵۰ شمسی و دوران حاکمیت رژیم پهلوی بازمی‌گردد که «جبهه آزادیبخش ملی ایران» اعلام موجودیت کرد. این جبهه در واقع همان بازوی نظامی و وابسته به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بود (نشریه ۱۹ بهمن، ۱۳۵۰: ۱). پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در ۳۰ خردادماه ۱۳۶۶ نیز سازمان مجاهدین

¹ People's Liberation Army

² Bolivian National Liberation Army

³ Kosovo Liberation Army

⁴ Lesotho Liberation Army (LLA)

⁵ Yugoslav People's Army

⁶ National Liberation Front of South Vietnam (Viet Cong)

⁷ New People's Army

⁸ Zapatista Army of National Liberation

⁹ Basutoland Congress Party

¹⁰ Leabua Jonathan

خلق (منافقین) تأسیس «ارتش آزادیبخش ملی» که هدفش سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران بود را اعلام کرد (شورای ملی مقاومت: بیانیه، پیام، اطلاعیه،...، ۱۳۶۶: ۱۰۶-۱۰۴) و پس از آن به‌عنوان نیرویی متشکل و سازمان‌یافته در کنار نیروهای نظامی رژیم بعثی عراق، تجاوز به خاک ایران را آغاز کرد.

تنگه کوهستانی

عوارض زمین (لندفرم‌ها) به سه نوع مهم نظامی تقسیم می‌شوند: ارتفاعات، زمین‌های مسطح و فرورفتگی‌ها (کالینز، ۱۳۸۳: ۵۶). مهمترین عامل جغرافیایی در بررسی‌های نظامی، توپوگرافی زمین است و نقش تعیین‌کننده در تحلیل منطقه‌ای و ناحیه‌ای دارد. موقعیت طبیعی کوهستانی در عملیات نظامی، نسبت به مناطق جلگه‌ای بسیار مشکل‌تر است. در کوهستان به موانع و مخاطراتی برخورد می‌شود که نیروها باید توانایی اجتناب و گذر از آن‌ها را داشته و بتوانند به مشکلات غلبه پیدا کنند (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۲).

از میان عوارض جغرافیایی، بایستی گذرگاه‌های کوهستانی و تنگه‌ها را به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار داد؛ زیرا گذرگاه‌های کوهستانی و پهنه‌های هموار در ارتفاعات از اهمیت نظامی و استراتژیک بالایی برخوردار هستند (Banderet and Shukitt-Hale, 2002: 726) و هیچ نوع دیگری از جنگ وجود ندارد که در آن عوامل محیطی به اندازه جنگ در ارتفاعات، بر تاکتیک‌ها تأثیر بگذارد (Tannheimer and Lechner, 2022: 51). راهی باریک بین کوه‌ها یا دیواره‌های دره به‌خصوص باریکه‌هایی که دیواره‌های سنگی با شیب زیاد دارند را تنگه یا گردنه می‌نامند (روجوشکی، ۱۳۸۶: ۱۱۱). مفاهیم جغرافیای نظامی، دره‌ها و گردنه‌های کوهستانی را به عنوان مکان‌های مناسب برای نبرد در مناطق کوهستانی تعیین می‌کنند (Vergara et al, 2017: 480). چندین نوع تنگه و گذرگاه وجود دارد؛ گذرگاه‌ها و تنگه‌هایی که عمدتاً به‌عنوان مسیرهای نظامی استفاده می‌شده‌اند، در حالی که برخی دیگر به دلیل موقعیت ویژه استراتژیکی و اقتصادی، واجد اهمیت منحصربه‌فردی بوده‌اند. به‌طورکلی تنگه‌ها و گردنه‌ها به عنوان جاده‌های نظامی برای عبور لشکریان از زمان هانیبال اتا ناپلئون آیفای نقش می‌کردند (Langwill, 1914: 193).

¹ Hannibal

² Napoleon Bonaparte

خطوط ارتباطی جاده‌ای

از مهمترین عناصر در عملیات‌های نظامی و کشورداری، جاده‌ها می‌باشند. جاده‌ها برای حملات نظامی، حمل و نقل نیرو، تجهیزات نظامی و تدارکات، دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌باشند (صفوی، ۱۳۸۲: ۱۸). خطوط ارتباطی به‌ویژه‌ها جاده‌ها، در جنگ‌ها و نبردهای کلاسیک نقش ویژه‌ای دارند و بسیاری از عملیات‌های نظامی مبتنی بر جاده بوده‌اند و ستون‌ها تنها از طریق جاده پیشروی می‌کردند. طبقه‌بندی شبکه ارتباطی، نوع دسترسی و شرایط مناسب حمل و نقل، جابه‌جایی نیروی انسانی و باربری از یک سو، دسترسی مطمئن به خطوط ارتباطی و مسیرهای عبوری پل‌ها، گذرها، تنگه‌ها، تونل‌ها و ساختمان‌ها از طرف دیگر شایان توجه هستند (صفوی، ۱۳۸۳: ۵).

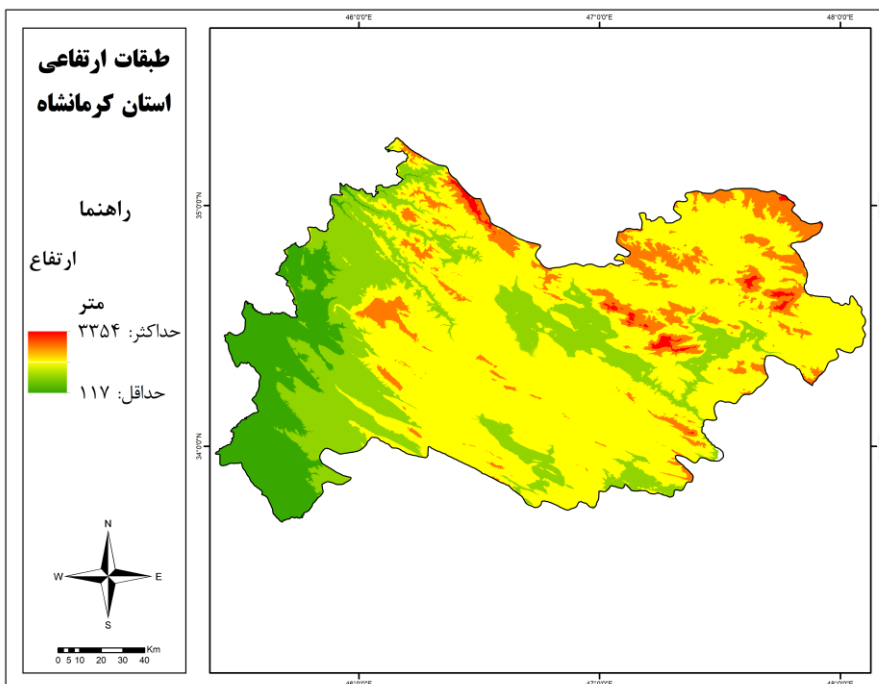
در جنگ با نیروهای فرمانطقه‌ای به علت اینکه در مناطق کوهستانی، جاده‌ها و مسیرها محدود می‌باشند، در بعضی از نقاط، تردد باید از گذرگاه‌ها و تنگه‌های حساس صورت گیرد که این خود یک موقعیت مناسب و ایده‌آل برای نیروهای مدافع محسوب می‌گردد (غلامعلیان، ۱۳۸۹: ۴۴). تحرک و مانور نیروهای عملیاتی و پشتیبانی جبهه‌های جنگ در بستر عوامل طبیعی و فرهنگ جغرافیا، یعنی محورهای مواصلاتی و شبکه‌های ارتباطی صورت می‌پذیرد. اهمیت راه در پدافند و آفند کمتر از اهمیت جنگ‌افزار و سرباز نیست (چوخاچی‌زاده مقدم و امینی قشلاقی، ۱۳۸۸: ۹۰). بنابراین بدیهی است که وجود راه‌ها در هر جا نسبت به هم‌گرایی آن با مرکز کشور و همچنین برای حمل و نقل اقتصادی و نظامی، دارای اهمیت زیادی است. از دیدگاه نظامی نحوه استفاده از جاده‌ها و مسیرها در سطوح مختلف فرماندهی دارای ارزش‌های متفاوتی هستند (کالینز، ۱۳۸۴: ۱۹۸؛ غلامعلیان، ۱۳۸۹: ۴۳). در مرحله مبارزه، استفاده تاکتیکی از جاده‌ها و مسیرها از نظر طرح‌ریزی و اجرای آتش بر علیه ستون‌های آماد و ترابری دشمن و همچنین نیروهای رزمی و پشتیبانی رزمی دشمن و تبادل اخبار و اطلاعات و انجام عملیات‌های پارتی‌زنی و دیگر عملیات‌های چریکی، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (غلامعلیان، ۱۳۸۹: ۴۵).

محیط‌شناسی

عملیات فروغ جاویدان و درمقابل آن عملیات مرصاد در محدوده تقسیمات کشوری استان کرمانشاه به وقوع پیوستند، لذا بایستی به‌طور مختصر ویژگی‌های جغرافیایی این استان مورد

بررسی قرار گیرد. استان کرمانشاه حدوداً دارای ۳۰۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق می‌باشد و به دلیل جهت قرارگیری ارتفاعات آن به صورت پله‌ای و موازی با مرز، موقعیت خوب پدافندی را ایجاد کرده است. از طرف دیگر شکل هندسی و محدب مرز آن موقعیت خوب آفندی را برای ایران ایجاد نموده است. عوامل جغرافیایی این منطقه به‌ویژه ارتفاعات و جاده‌های پریپیچ‌وخم در برخی نقاط استان کرمانشاه مشکلاتی را برای واحدهای نظامی ایجاد می‌کند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۳۹). استان کرمانشاه در مسیر شمالی - جنوبی زاگرس و بر روی یال غربی آن قرار گرفته است. سلسله جبال زاگرس در این منطقه نه به شکل دیواره‌ای ممتد بین دشت تاریخی بین‌النهرین و اراضی داخلی فلات ایران، بلکه به‌صورت مجموعه‌ای از رشته‌کوه‌های موازی و دشت‌های مرتفع کوهستانی در بینابین آن‌ها شکل گرفته است و به همین علت عمده‌ترین گذرگاه زاگرس در این استان قرار دارد. استان کرمانشاه از لحاظ شکل ظاهری زمین، از دو قسمت تشکیل می‌شود: قسمت اول منطقه‌ای است کوهستانی و مرتفع با ارتفاعات طاقدیسی و دشت‌های ناودیسی که عمده ارتفاعات استان را شامل می‌گردد و قسمت دوم فضایی است مرکب از کوه‌های فرسایش‌یافته و اراضی نسبتاً مسطح واقع بین این کوه‌ها که قصرشیرین، نفت شهر و سومار را شامل می‌گردد (سالنامه آماری استان کرمانشاه، ۱۴۰۰: ۲۶).

ارتفاعات در استان کرمانشاه به گونه‌ای است که هرچه از طرف شرق به غرب حرکت کنیم، زمین دارای ارتفاع کمتری است (شکل ۱) و ارتفاعات کرمانشاه مسلط بر جلگه بین‌النهرین می‌باشد و امکان هرگونه عملیات آفندی و پدافندی را برای ایران فراهم می‌کند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۵۵).



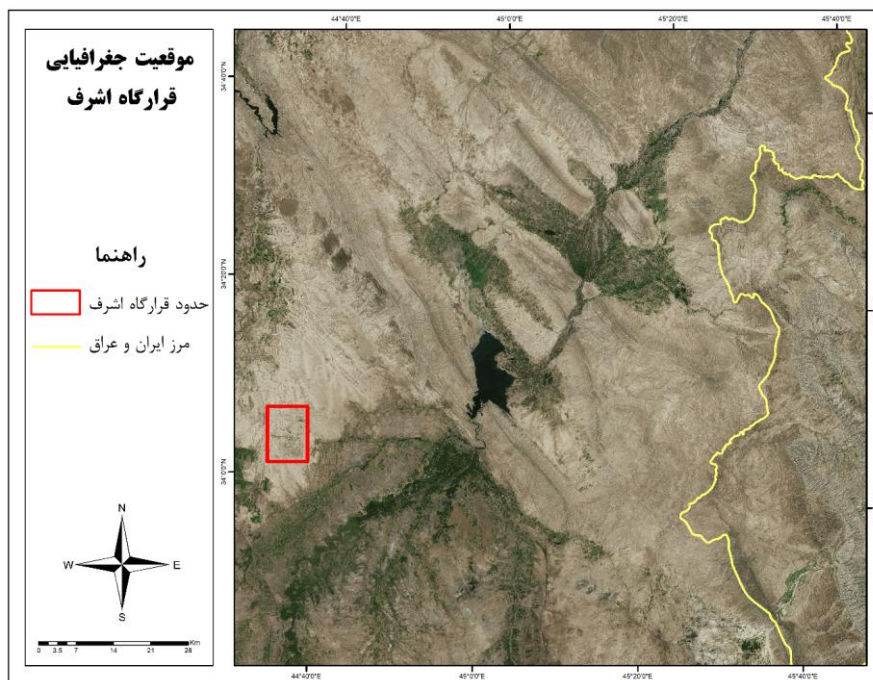
شکل ۱: نقشه طبقات ارتفاعی استان کرمانشاه (ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۳)

در این استان گردنه‌ها، دشت‌ها و عوارض جغرافیایی متعددی وجود دارد که در جغرافیای نظامی باید آن‌ها را مدنظر قرار داد. در محور قصرشیرین - کرمانشاه از سمت مرز خسروی، چند گردنه وجود دارد که باعث اهمیت یافتن موقعیت ژئواستراتژیکی منطقه می‌شود: گردنه پاتاق در ۱۵/۵ کیلومتری جنوب شرقی سرپل ذهاب، گردنه حسن‌آباد در ۳/۵ کیلومتری شمال شرقی روستای کریم حاصله و گردنه چهارزبر در ۳۴ کیلومتری غرب کرمانشاه (همان: ۲۴۸).

سازمان مجاهدین خلق (منافقین) مسیر فوق‌الذکر (محور قصرشیرین - کرمانشاه) را برای حمله و تهاجم به خاک ایران جهت فتح تهران انتخاب نمود. علت انتخاب مسیر چنانچه در این نوشتار مورد بحث قرار گرفته است، به علت نزدیکی قرارگاه اشرف به مرزهای غربی کشور (شکل ۲) و مهم‌تر از آن سهولت و سرعت نیروها در این مسیر جهت رسیدن به پایتخت کشور بوده است.

قرارگاه اشرف در ۹۰ کیلومتری شمال بغداد، پس از شهر الخالص قرار دارد. این کمپ با وسعت ۶×۸ کیلومتر مربع تا سال ۱۳۶۵ هجری شمسی تحت‌عنوان معسکر الخالص الخاص محل استقرار یکی از تیپ‌های گارد ریاست‌جمهوری صدام حسین بود. این مقر از شمال به انبارهای

بزرگ مهمات و تسلیحات، از شرق به یک فرودگاه متروکه، از جنوب شرق به روستای شیخ شنیف، از جنوب به مرغداری و از غرب به جاده بغداد - کرکوک محدود شده است (درخشان، ۱۳۹۰: ۱۴).



شکل ۲: موقعیت جغرافیایی قرارگاه اشرف (ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۳)

یافته‌های پژوهش

مواضع و عملکرد سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در جنگ تحمیلی

اولین موضع‌گیری علنی و ثبت‌شده سازمان در قبال رژیم عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در ۱۸ فروردین ۱۳۵۹ رخ داد. در پی ادعای رژیم بعث عراق در مورد جزایر سه‌گانه خلیج فارس و متهم‌ساختن ایران به تحریک مخالفان دولت عراق، سخنگوی سازمان، این نحوه برخورد رژیم عراق را به شدت محکوم کرد (رضایی حسین‌آباد، ۱۳۹۲: ۶۵). پس از تجاوز عراق به خاک کشور، سازمان در ابتدا اقدام عراق را مورد نقد قرار داد و از ضرورت دفاع در برابر رژیم بعثی سخن گفت: «پس از شروع تجاوز آشکار عراق به ایران، وظیفه انقلابی حکم می‌کرد که در کنار سایر مردم به دفاع از مردم و میهن بپردازیم» (نشریه مجاهد، ۱۳۵۹/۰۸/۱۰: ۱). همچنین سازمان در یکی دیگر از مواضع خود در دی‌ماه سال ۱۳۵۹ اعلام کرد: «در هفته‌های اخیر

جنایت‌های ارتش متجاوز عراق ابعاد گسترده‌تری یافته است؛ ...مجاهدین خلق ایران ضمن تقبیح مجدد این جنایات ضدبشری، مراتب تأسف و تسلیت خود را به عموم هم‌میهنان به‌ویژه مردم جنگ‌زده و خانواده‌های داغدار ابراز می‌دارند» (نشریه مجاهد، ۱۶/۱۰/۱۳۵۹: ۸). البته این موضع‌گیری‌های سازمان علیه حمله عراق، به‌طور هم‌زمان دولت ایران را نیز مورد حمله قرار می‌داد: «اگر طی دو سال گذشته توده‌ها سازمان می‌یافتند، آیا تجاوزگران به این سادگی می‌توانستند پیشروی کنند؟» (نشریه مجاهد، ۳۰/۱۰/۱۳۵۹: ۱۴).

سازمان در آغاز جنگ نیروهایی را به جبهه‌های جنگ اعزام کرد. با گذشت چند هفته از آغاز جنگ، ارتش جمهوری اسلامی ایران رفتار افراد سازمان در جبهه را متناقض با امنیت ملی و اهداف جنگ تشخیص داد و ناگزیر به مقابله شد. منافقین که از بدو ورود به جبهه‌ها، به عکسبرداری و جمع‌آوری اطلاعات مشغول بودند، به رغم تذکرات، به کار خود ادامه می‌دهند تا جایی که ارتش مقر آنان را محاصره و همه را دستگیر می‌کند و مدارک موجود را ضبط می‌نماید. به مرور و از نیمه دوم سال ۱۳۵۹، مواضع سیاسی سازمان علیه رژیم بعث کم‌رنگ شده و غلظت «مقصر نشان‌دادن جمهوری اسلامی»، در تحلیل‌های سازمان افزایش پیدا کرد. سازمان وقتی قصد عزیمت به عراق کرد، نخست تحلیل از جنگ ایران و عراق را تغییر داد و مدعی شد که زمینه‌ساز اصلی جنگ، حکومت ایران بوده که قصد صدور انقلاب به عراق را داشته است (حق‌بین، ۱۳۹۲: ۲۷۷-۲۷۵).

طراحان پروژه سرنگونی حکومت ایران پیش از عزیمت به عراق، جنگ داخلی را مکمل تجاوز عراق به خاک ایران و پیش‌زمینه پیروزی رژیم صدام حسین می‌دانستند. مسعود رجوی به‌عنوان رهبری سازمان، کشتار تمامی کسانی که در جبهه‌های جنگ حضور پیدا می‌کردند را با هر عنوانی (پاسدار، بسیجی، حزب‌اللهی و...) تحت‌عنوان زدن سرانگشتان رژیم در دستور کار تیم‌های ترور سازمان قرار داد. درواقع این بخش از اقدامات مسلحانه سازمان یعنی عملیات بمب‌گذاری و ترور، عامل بازدارندگی توان نظامی جمهوری اسلامی در جنگ با عراق بوده و در چنین شرایط بحرانی که همه امکانات کشور گرو جنگ خلاصه می‌شد، به ناچار نظام اسلامی می‌بایست هم‌زمان در دو جبهه جنگ خارجی با عراق و متحدان غربی و نیز جنگ داخلی با سازمان که خود جزئی از سیستم جنگی عراق علیه ایران محسوب می‌شد، عرض اندام می‌کرد (شریفی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۴).

رهبری سازمان با این تحلیل که از طرفی، سرنوشت جمهوری اسلامی به نتیجه جنگ گره خورده است و از طرف دیگر، ابرقدرت‌ها نخواهند گذاشت که ایران در جنگ پیروز شود و

بنابراین عراق در جنگ بازنده نخواهد بود، تصمیم گرفت به طور کامل و رسماً در کنار صدام قرار گیرد و تمامیت تشکیلات را به رژیم بعث عراق پیوند بزند. از این رو، رجوی در پی امضای توافق‌نامه با طارق عزیز معاون نخست‌وزیر عراق، پاریس را به مقصد بغداد ترک کرد و با ورود به پایتخت عراق در ۱۷ خرداد ۱۳۶۵، راهبرد جنگ آزادیبخش را کلید زد (رضایی حسین‌آباد، ۱۳۹۲: ۷۳). سازمان از این سفر به‌عنوان «سفر تاریخ‌ساز» در «جوار خاک میهن» یاد می‌کند تا رجوی «هم‌پیمان با قایقران‌ها» بتواند «آتش‌ها در کوهستان‌ها» برافروزد (گنج‌های، ۱۳۶۵: ۶۵).

پس از استقرار سازمان در عراق، رجوی تأسیس «ارتش آزادیبخش ملی» را در ۳۰ خرداد ۱۳۶۶ اعلام کرد. به این ترتیب استراتژی جنگ چریکی شهری سازمان به استراتژی جنگ آزادیبخش تبدیل شد.

در همین راستا، شیوه جنگ‌ها که پیش از این پارتیزنی در کردستان و جنگ شهری در شهرهای ایران بود، به شکل جنگ‌های گردانی در مناطق مرزی با ارتش و سپاه سازماندهی شد (حقیقین، ۱۳۹۲: ۲۴۵). ارتش آزادیبخش کار خود را با تهاجم به واحدهای کوچک و دسته‌های سپاه در مناطق مرزی شروع و خیلی زود موفقیت‌هایی کسب کرد و در عرض چندین ماه سوژه‌های بزرگ‌تری را مورد تهاجم قرار داد. مثلاً سه رشته عملیات گردانی در مرز مریوان روی لشکر ۲۸ سنندج در اوایل سال ۱۳۶۷ یا تهاجم روی یگان‌های لشکر ۳۰ گرگان و لشکر ۶۴ ارومیه در منطقه پیرانشهر، ارتش آزادیبخش را بر آن داشت تا در تدارک عملیات بزرگ‌تری در بهار ۱۳۶۷ برآید (سیداسماعیلی، ۱۳۹۶: ۶۷۳). در ۸ فروردین ۱۳۶۷ سازمان عملیات «آفتاب» را در منطقه مرزی فکه و ۲۸ خرداد ۱۳۶۷ عملیات «چلچراغ» را در منطقه مهران به انجام رساند و نیروهای سازمان در آن عملیات با شعار «امروز مهران، فردا تهران» آماده عملیات سرنوشت‌ساز بعدی خود شدند.

اهداف و تاکتیک سازمان در عملیات فروغ جاویدان

ارتش عراق توانست در ماه‌های ابتدایی سال ۱۳۶۷ قدرت تهاجمی خود را علیه ایران بازبایی کند و این درحالی بود که در بخش نیروهای خودی فرماندهی سپاه پاسداران، علیرغم مخالفت برخی فرماندهان زیرمجموعه، تغییر در استراتژی (عملیات از شمال توسط قرارگاه رمضان) به سمت شهرهای کرکوک و سلیمانیه را اتخاذ کرده و منطقه جنوب از نیروهای دفاعی ضعیف شده بود (محقق، ۱۳۹۳: ۲۴۷-۲۴۶). لذا دشمن یعنی در طول چهار ماه اول سال ۱۳۶۷ حملات

بی‌امانی را علیه جبهه‌های ایران انجام داد و از جنوب و غرب، کشور را نیز مجدداً به اشغال خود درآورد. البته رزمندگان مناطق اشغالی را باز پس گرفتند ولی به‌رحال، شرایطی به وجود آمد که جمهوری اسلامی ایران مجبور به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ گردید. در چنین شرایطی بود که خطوط پدافندی نیروهای خودی به دلیل عملیات‌های تهاجمی نیروهای دشمن، با فروپاشی مواجه شده و انسجام و یکپارچگی نیروهای خودی از بین رفته بود. درست در این شرایط، سازمان که با ارتش به اصطلاح مقاومت در عراق حضور داشتند و در همین دوره ماه‌های پایانی جنگ، پس از چند عملیات ایذایی موفقیت‌آمیز علیه نیروهای ایران به این باور رسیده بودند که خواهند توانست با پشتیبانی ارتش رژیم بعث، عملیاتی را جهت براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران انجام دهند، لذا از محور مرزی خانقین - خسروی - قصرشیرین - سرپل ذهاب وارد شدند و به سمت کرد و اسلام‌آباد غرب و کرمانشاه پیشروی کردند و طبق طرح‌های خود، تصور می‌کردند روز دوم و یا حداکثر روز سوم حمله، در تهران و میدان آزادی خواهند بود (حسینی، ۱۳۹۹: ۱۳۴).

در عملیات فروغ جاویدان، نوع عملیات را «شهاب‌گونه» عنوان کردند که منظور، پرهیز از درگیری از مرز تا تهران بود. در این استراتژی توده‌های مردم ناظر و تابع قدرت تلقی شده‌اند که در صورت مشاهده تفوق ارتش آزادی‌بخش به حمایت از آن خواهند آمد (دل‌آشوب، ۱۳۹۸: ۱۶۲). رجوی در این زمینه می‌گوید: «همانند شهاب باید به تهران برویم. از لحظه‌ها - حتی کوچکترین لحظه‌ها - باید استفاده کرد، نباید هیچ لحظه‌ای را از دست بدهیم؛ زیرا در این عملیات لحظه‌ها تعیین‌کننده و سرنوشت‌سازند» (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۵: ۳۰۶). لذا مناسب‌ترین تاکتیکی که در این شرایط برای سازمان در نظر گرفته شد، تاکتیک بلیتزکریگ بود که در تاریخ معاصر نظامی، آلمان نازی برای حمله به فرانسه و تصرف پاریس از آن بهره برد. این تاکتیک به‌طورکلی در صورتی که به درستی و در شرایط مناسب خود اتخاذ شود، می‌تواند منجر غافلگیری نیروهای طرف مقابل شود و درنهایت پیروزی نهایی را به ارمغان آورد.

مسیرهای پیشروی در عملیات فروغ جاویدان

یکی از محورهای مهم ارتباطی و مواصلاتی غرب کشور همان محور کرمانشاه - خسروی می‌باشد. این محور از لحاظ اقتصادی، زیارتی و نیز از جنبه نظامی از اهمیت و ارزش خاص برخوردار می‌باشد. محور یادشده به طول ۱۹۳ کیلومتر و به عرض ۸ متر از نوع آسفالت، با

شانه‌های حداقل یک متر در دو سمت آن می‌باشد (سنائی فر، ۱۳۸۹: ۱۹۵). مسیری که سازمان برای حمله به خاک ایران انتخاب کرد، از محور قصرشیرین - کرمانشاه و از مرز خسروی آغاز می‌شد. شاید بتوان ادعا کرد که مناسب‌ترین محور برای پیشروی به مرکز ایران از مرکز غرب کشور همین محور قصرشیرین - اسلام‌آباد غرب - کرمانشاه باشد (کریمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴۳). رجوی در این زمینه گفته بود: «البته یک‌سری می‌گفتند برویم اهواز را بگیریم و یک‌سری می‌گفتند برویم کرمانشاه را بگیریم. نشستیم و فکر کردیم و دیدیم باید از طریق کرمانشاه برویم؛ زیرا اولاً تا حدودی وضع و شرایط مسیری که انتخاب کرده‌ایم، نسبت به قبل مناسب‌تر و بهتر است، چون عراق تا قصرشیرین و سرپل ذهاب پیش رفته است و این بار نیاز به خط‌شکنی نداریم و به راحتی می‌توانیم تا کرمانشاه برویم. ثانیاً نزدیک‌ترین نقطه مرزی برای رسیدن به تهران، کرمانشاه است. از آن به بعد براساس تقسیمات انجام‌شده ۴۸ ساعته (جدول ۲) به تهران خواهیم رسید» (صدرشیرازی، ۱۳۹۲: ۲۵۶).

جدول ۲: زمان‌بندی عملیات فروغ جاویدان

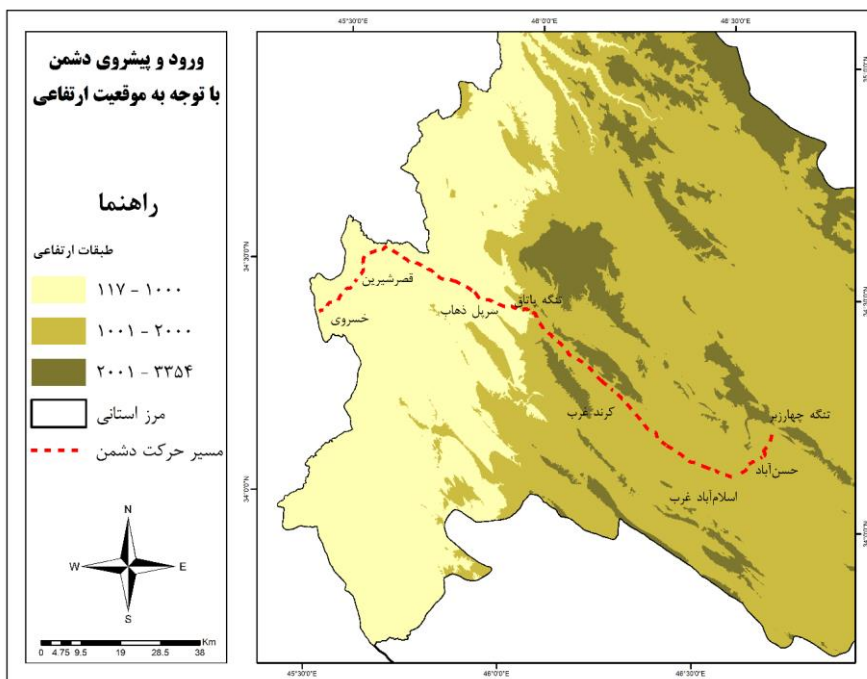
روز	ساعت	اقدام
۱۳۳۶۷/۰۵/۰۳	۳ بعدازظهر	حرکت از قرارگاه
	۴ بعدازظهر	عبور از مرز
	۵ بعدازظهر	رسیدن به قصرشیرین
	۶ بعدازظهر	رسیدن به سرپل ذهاب
	۸ بعدازظهر	رسیدن به کرد
	۱۰ شب	رسیدن به اسلام‌آباد
۱۳۳۶۷/۰۵/۰۴	۱۲ شب	رسیدن به باختران
	۵ صبح	رسیدن به همدان
	۱۱ صبح	رسیدن به قزوین
	۴ بعدازظهر	رسیدن به تهران

ترسیم: (نگارندگان، ۱۴۰۳)

پس از فراهم آمدن مقدمات، ستون ارتش آزادیبخش متشکل از ۲۵ تیپ رزمی، روز دوشنبه ۱۳۳۶۷/۰۵/۰۳ پس از اجرای مراسم صبحگاهی از قرارگاه خود در عمق خاک عراق به حرکت

درآمده و پس از طی مسیر تعیین شده در ساعت ۴ بعدازظهر از مرز خسروی عبور کرده و طبق پیش‌بینی، ستون ساعت ۵ بعدازظهر از قصرشیرین و ۶ بعدازظهر از سرپل ذهاب عبور کردند و به سمت اسلام‌آباد پیشروی کردند و حدود ساعت ۲۱:۳۰ شهر اسلام‌آباد را تصرف کردند. لازم به ذکر است که عراق پیشاپیش حملات گسترده‌ای را در جبهه غرب و جنوب آغاز کرده بود و یک عملیات هوایی برای ایجاد جو رعب علیه مردم غرب کشور انجام داد (حقیبین، ۱۳۹۲: ۲۸۸). همچنین در بیست‌وهفتم و سی‌ام تیرماه با استفاده از توپخانه دوربرد خود اقدام به گلوله‌باران شهرستان سردشت و هشت روستای اطراف آن کرد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۰۵/۰۴: ۴). چنانچه پیش‌تر اشاره شد رمز موفقیت تاکتیک بلیتزکریگ، استفاده از نیروی هوایی و زرهی به‌ویژه در ابتدای عملیات است و با توجه به نیازهای نوین جنگ، وجود نیروی هوایی خط‌شکن امری بدیهی به نظر می‌رسد. به همین خاطر عراق در نواحی مرزی غرب ایران دست به عملیات هوایی زد تا مسیر برای نیروهای سازمان باز شود.

پیشرفتگی دامنه ارتفاعات مذکور و گلوگاهی‌بودن محور در این بخش هرگونه عبور و مرور را منحصر به جاده می‌سازد. اختفاء و پوشش به علت کوهستانی و مشجر بودن گردنه خوب، ولی دید و تیر در داخل آن ضعیف اما دامنه غربی رشته ارتفاعات لعل‌آباد و شیرنری دید و تیر خوبی را به دشت حسن‌آباد فراهم می‌نماید. این گردنه یکی از مواضع پدافندی و عملیات تأخیری در این منطقه می‌باشد. از نقاط ضعف این موضع دفاعی کمی عمق و قابلیت دور زدن آن است (سنائی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۹۷). نیروهای سازمان با توجه به موقعیت ارتفاعی استان کرمانشاه - که در نواحی غربی آن کم‌ارتفاع بوده و به تدریج و به سمت مشرق میزان ارتفاعات آن افزایش پیدا می‌کند - توانستند پیشروی کنند و به سهولت وارد خاک ایران شوند (شکل ۳).



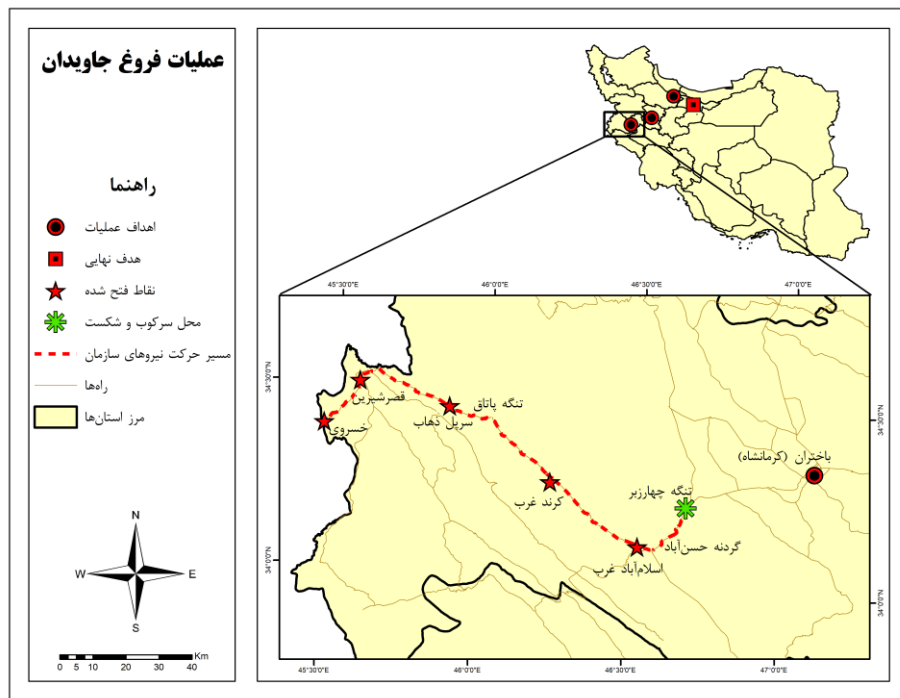
شکل ۳: ورود و پیشروی نیروهای دشمن با توجه به موقعیت ارتفاعی استان کرمانشاه

(ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۳)

به هر روی، خبر سقوط اسلام‌آباد غرب، در تهران مسئولان شورای عالی دفاع را سردرگم کرده بود. آنان هنوز گمان می‌کردند با ارتش عراق مواجه‌اند و لذا آغاز این حمله با دانسته‌های آنان از توانایی ارتش عراق نمی‌خواند. هاشمی رفسنجانی می‌نویسد: «ناگهان خبر رسید که عراق از تنگه پاتاق گذشته و به طرف کردن پیش می‌رود» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۰: ۳۳۳). به محض رسیدن به مدخل شهر اسلام‌آباد، تعدادی از نیروهای سازمان با ورود به آن، اقدام به قطع برق و ارتباط مخابراتی و همچنین تیراندازی و آشفته‌کردن اوضاع شهر کردند. در همین حین، تعدادی از نیروهای سپاه و گروهی از مردم، با دشمن درگیر شدند که به دلیل عدم انسجام نیروها و آمیختگی نیروهای سازمان با مردم، اوضاع از کنترل نیروهای نظامی خارج شد و شهر به تصرف دشمن درآمد (صدرشیرازی، ۱۳۹۲: ۲۸۵).

دشمن توانست بدون مقاومت قابل ملاحظه‌ای از سوی نیروهای جمهوری اسلامی ایران تا اسلام‌آباد غرب پیشروی کند اما پس از آن در گردنه حسن‌آباد تا تنگه چهارزیر و در مسیر حرکت به سوی باختران (کرمانشاه) با مشکلات و موانعی مواجه شدند که سرانجام به شکست آنان منتهی

شد (شکل ۴). از آنجا که این موانع دارای زمینه‌های جغرافیایی بوده‌اند، بایستی به‌طور مجزا و با دقت بیشتری مورد بررسی قرار گیرند.



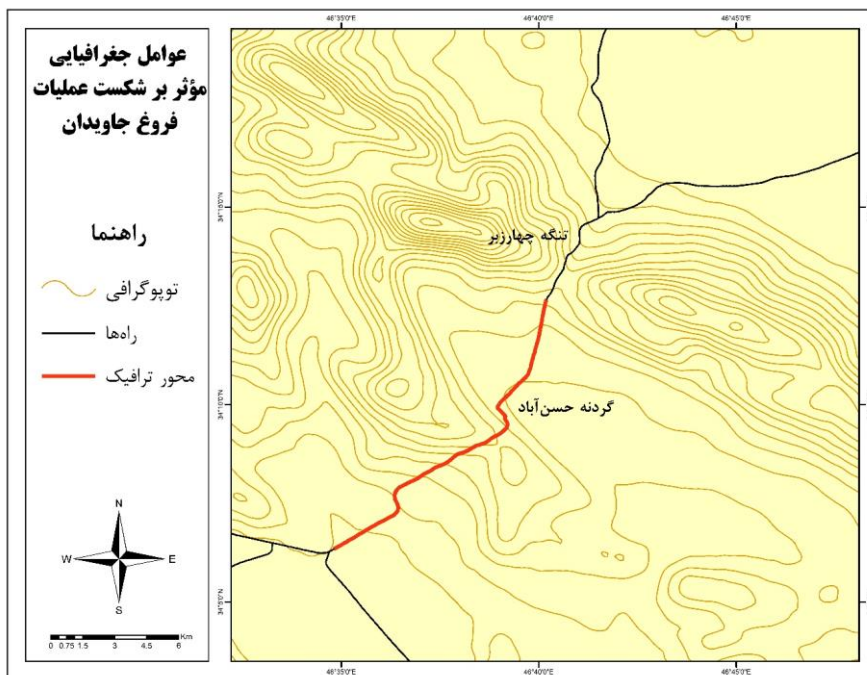
عوامل جغرافیایی مؤثر بر شکست عملیات

۱. تراکم شدید انسانی محور اسلام‌آباد غرب - کرمانشاه

محوری که سازمان برای انجام عملیات فروغ جاویدان انتخاب کرده بود، نزدیک‌ترین مسیر و سهل‌الوصول‌ترین راه آسفالت تا مرکز کرمانشاه می‌باشد که از مرز خسروی شروع می‌شود. از خسروی تا قصرشیرین حدود ۱۷ کیلومتر است که دشت پهناور و تقریباً مسطح می‌باشد. از قصرشیرین تا سرپل ذهاب حدود ۳۰ کیلومتر که هموار است به جز چند تپه کم‌ارتفاع، مانع دیگری بر سر راه جاده آسفالت وجود ندارد. با طی مسافتی از سرپل ذهاب به طرف کورد غرب حدود ۲۰ کیلومتری به اولین مانع تأخیری «تنگه کل داوود» و سپس به گردانه استراتژیک پاتاق می‌رسد که یک مانع دفاعی بسیار مهم در این محور است. این گردنه آنقدر مهم و حساس است

که اگر در ارتفاعات سمت شرقی آن یک قبضه آربی جی مستقر گردد، می‌تواند ساعت‌ها این راه اصلی را کاملاً مسدود کند و از عبور هر نوع وسیله نقلیه‌ای جلوگیری شود. از گردنه پاتاق تا کرند غرب، یک منطقه کوهستانی و مرتفع وجود دارد که جاده اصلی از میان این ارتفاعات می‌گذرد. شهرستان اسلام‌آباد غرب در ۳۵ کیلومتری شرق کرند غرب است، از شهر اسلام‌آباد به طرف کرمانشاه، منطقه نسبتاً پهناوری واقع شده که از سمت جنوب به دشت و صحرا در ناحیه شمالی به سلسله‌کوه‌ها و تپه‌ها منتهی می‌شود و گردنه حسن‌آباد اولین مانع و موضع تأخیری در مسیر اسلام‌آباد به کرمانشاه است که مانع طبیعی نسبتاً خوبی برای دفاع و بستن مسیر عبور وسایط نقلیه است. بعداز گردنه حسن‌آباد پس از طی حدود ۵ کیلومتر به گردنه مهم و استراتژیک چهارزبر می‌رسد که به عبارتی آخرین گلوگاه مسیر کرمانشاه است و در واقع کلید فتح کرمانشاه محسوب می‌گردد (حسنی و صفری، ۱۳۹۶: ۱۶۶). تاکتیکی که سازمان اتخاذ کرده بود، در ابتدا موجب شگفتی نیروهای خودی شده بود و ناباورانه به این حمله بی‌مهابا و سریع می‌نگریستند. رزمندگان اسلام از اینکه دشمنان همه به یک ستون حرکت کرده بودند، تعجب می‌کردند و این استراتژی جنگی را ناباورانه تصور می‌کردند. گویا علی صیادشیرازی هم باور نکرده بود و در وهله اول تقاضا کرد تا کاملاً بررسی شود و بعد هوانیروز عملیات کند (شجاعی طباطبایی، ۱۳۹۱: ۵۹).

نیروهای سازمان به سرعت مسیر خود را طی می‌نمودند اما ایجاد تراکم شدید انسانی و راه‌بندان در محدوده حسن‌آباد و در محور اسلام‌آباد غرب - کرمانشاه توسط مردم جنگ‌زده، تمام معادلات سازمان را برهم زد و موجب توقف نیروهای آنان شده بود (شکل ۵). صیادشیرازی در خاطرات خود می‌گوید: «ساعت ۱۰:۳۰ رفتیم کرمانشاه. دیدیم اصلاً یک محشری است. مردم از شدت وحشت ریختند بیرون شهر. جاده بین کرمانشاه - بیستون تقریباً حالت بلواری دارد. تمام پر آدم، یعنی اصلاً هیچکس نمی‌تواند حرکت کند... [نیروهای سازمان] می‌خواستند بیایند به طرف کرمانشاه که توی مردم گیر کردند، چون مردم بین اسلام‌آباد تا کرمانشاه با تراکتور و ماشین و هرچه داشتند، ریختند توی جاده. پس اولین کسی که جلوی آن‌ها را گرفته بود، خود مردم بودند» (بهمنی، ۱۳۹۳: ۸۶-۸۳، حسینی، ۱۳۹۹: ۱۳۶).



شکل ۵: عوامل جغرافیایی مؤثر بر شکست سازمان در عملیات فروغ جاویدان

(ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۳)

به این ترتیب پس از اشغال اسلام‌آباد غرب، دشمن با استفاده از تعداد زیادی تانک دجله و خودرو، به همراه تعدادی از نیروهای پیاده، در جاده اسلام‌آباد به طرف کرمانشاه حرکت کردند؛ اما در منطقه حسن‌آباد (۲۰ کیلومتری اسلام‌آباد) به دلیل سازماندهی نیروهای جدید و نیز با توجه به رسیدن یگان‌های منظم خودی، متوقف شدند. همین توقف از سر ناچاری نهایتاً به درگیری تاریخ‌ساز نیروهای سازمان و رزمندگان اسلام می‌انجامد. درحقیقت آشفتگی و وحشت ناشی از تهاجم منافقین و توحش آنان حین عملیات موجب ایجاد راه‌بندان سنگین در مسیر کرمانشاه و اختلال در حرکت و برنامه‌های سازمان شده بود. درواقع به علت فرار وسیع مردم از شهر، ستون سازمان کاملاً متوقف شد. البته بعدها یکی از نیروهای سازمان که به اسارات نیروهای جمهوری اسلامی ایران درآمده بود، درمورد توقف سازمان در منطقه حسن‌آباد، ماجرا را از زاویه‌ای دیگر نیز بیان کرد: «چون منافقین مطمئن بودند خط دفاعی ایران را در تنگه چهارزیر شکسته و می‌توانند به کرمانشاه دست یابند، لذا تمام امکانات خود را به‌صورت یک فتر جمع کرده در پشت این تنگه آماده نگه داشتند تا به محض باز شدن راه در مدت ۳۰ دقیقه شهر کرمانشاه را تصرف کنند» (صدرشیرازی، ۱۳۹۲: ۲۸۷).

۲. نقش دفاعی تنگه چهارزبر

در هنر جنگ تسلط داشتن مزیتی منحصر بفرد محسوب می‌گردد. در واقع این عنصر به دلیل بیشترین تأثیری که زمین بر به‌کارگیری نیروها اعمال می‌کند، نکته قابل توجهی به شمار می‌آید (غلامعلیان، ۱۳۸۹: ۴۲). سان تزو در کتاب «هنر جنگ» توصیه کرده است: «در زمین‌های ناهموار و گذرگاه‌های باریک اگر می‌توانید پیش از دشمن آنجا را اشغال کنید. این کار به شما امکان می‌دهد موقعیت خود را تحکیم کنید، کمین بزنید و منتظر شوید دشمن از راه برسد» (تزو، ۱۳۹۸: ۵۴). ارتفاعات و تحلیل برجستگی‌ها، روند و جهت ارتفاعات و اراضی و شیب، بسیار مهم هستند. اگر جهت ارتفاعات بر منطقه عمود باشد، ارتفاعات به نفع مدافع و در صورتی که موازی باشد، برای نیروهای تکاور مفید می‌باشد. میزان ارتفاعات در دیده‌بانی و اختفا و پوشش نیروهای نظامی بسیار تأثیرگذار است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴۳). بنابراین اساساً موفقیت در کوهستان به عملکرد فرماندهان ارشد و پیاده‌نظام مستقلی بستگی دارد که خود را کاملاً به شرایط کوهستان عادت داده و مبانی جنگ در آنجا را به خوبی آموخته‌اند (غلامعلیان، ۱۳۸۹: ۴۱).

یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین علل موفقیت نیروهای جمهوری اسلامی ایران در عملیات مرصاد و شکست عملیات فروغ جاویدان، وجود موقعیت استراتژیک تنگه چهارزبر و استفاده به‌موقع و درست از این عامل جغرافیایی بود. نیروهای سازمان تا اسلام‌آباد غرب که شهر بسیار حائز اهمیتی در مسیر فتح تهران بود، به پیش تاختند اما پس از آن وجود تنگه چهارزبر شرایط را می‌توانست برای آنان دشوار سازد. آن‌ها راهی کرمانشاه شده بودند که در ۳۴ کیلومتری کرمانشاه در گردنه چهارزبر که بعدها به «تنگه مرصاد» معروف شد، با مقاومت ارتش جمهوری اسلامی ایران مواجه شدند.

شهید صیادشیرازی همان شب عملیات فروغ جاویدان به منطقه اعزام شده بود. او وقتی به منطقه مسلط شد، طرح به دام انداختن کاروان دشمن را ریخت. نیروهای سازمان باید با خیال راحت تا تنگه چهارزبر می‌آمدند که در ۳۴ کیلومتری کرمانشاه بود. در آن تنگه باید خلبانان هوانیروز از عقب و جلو راه را بر کاروان می‌بستند. صبح روز بعد عملیات مرصاد با رمز «یا علی» آغاز شد. همزمان با عملیات هوانیروز، علاوه بر گروه‌های مردمی، تعدادی از لشکرهای سپاه نیز که از جنوب به غرب آمده بودند، وارد عملیات شدند. راه از هر سو به روی بازماندگان کاروان بسته شده بود و آنان به سختی می‌توانستند به عقب برگردند. بعضی از آن‌ها به روستاها پناه برده بودند و

بعضی‌هایشان با خوردن قرص سیانور به زندگی خود خاتمه داده بودند (مؤمنی، ۱۳۹۸: ۳۵۹). در واقع با ابتکار شهید صیادشیرازی در بمباران ماشین‌های آن‌ها، منافقین متوقف شده و ستون‌های آنان به آتش کشیده شد. جنگ‌وگریز تا پل ماهی در نزدیکی سرپل ذهاب ادامه یافت ولی نیروهای دشمن با انفجار پل ماهی مانع ادامه تعقیب‌شان شدند (حقیقین، ۱۳۹۲: ۲۸۹).

به این ترتیب، نیروهای نظامی ایران در جایی که نیروهایشان برتری نسبی داشت، به کمین نشستند و در منطقه چهارزبر، با خاکریز و یک خط دفاعی مستحکم در انتظار ایشان بودند. یکی از گردان‌های عملیاتی در این جبهه گردان مقداد از لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله بود (کریمی، ۱۳۹۷: ۱۲۱). به‌طورکلی، نقاط قوت نیروهای رزمنده جمهوری اسلامی ایران در پیروزی عملیات مرصاد عبارت بود از استفاده صحیح و به موقع از زمین، تمرکز قوا در حداقل زمان، سرعت عمل و تحرک، برقراری به موقع قرارگاه عملیاتی و در دست گرفتن هدایت یگانه، تحرک مناسب هوانپروزی و بهره‌گیری مناسب از پوشش هوایی و استفاده از نفرت شدید مردم از ماهیت نفاق سازمان، قدرت رهبری حضرت امام خمینی^(ع) در بسیج همگانی، واکنش به موقع سازماندهی نیروهای مردمی و مدیریت بحرانی بود. البته نقاط ضعفی هم وجود داشت که مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ضعف اطلاعات و عدم برآورد صحیح از ماهیت، سمت و جهت تهدیدات دشمن، ضعف استحکامات و نداشتن خطوط پدافندی مطلوب از تنگه پاتاق تا گردنه کل داوود، عدم وحدت فرماندهی در مراحل اولیه عملیات دشمن و ضعف آتش پشتیبانی در ابتدای تهاجم دشمن، اشاره کرد (کفاش جمشید، ۱۳۸۰: ۱۸۶).

نتیجه‌گیری

بررسی جغرافیایی جنگ‌ها و عملیات‌های نظامی به دلیل تأثیر مستقیمی که عوامل جغرافیایی بر روند نبردها خواهند گذاشت، همواره مورد توجه پژوهشگران حوزه‌های جغرافیای نظامی، ژئواستراتژی، جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک می‌باشد. از این رو، در پژوهش حاضر تلاش شد که با بررسی عملیات فروغ جاویدان، به تحلیل جغرافیایی شکست این عملیات و پیروزی عملیات مرصاد از سوی نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود.

عملیات فروغ جاویدان در سوم مردادماه ۱۳۶۷ آغاز شد و نیروهای سازمان مجاهدین خلق طی این عملیات از مرز خسروی وارد ایران شدند و با تکیه بر تاکتیک بلیتزکریگ یا حمله رعدآسا و

شهاب‌گونه، سعی داشتند در مدت زمانی بسیار کوتاهی خود را به تهران برسانند و حکومت جمهوری اسلامی ایران را سرنگون سازند. طبق چنین تاکتیکی، سازمان نیازمند دو اصل اساسی برای رسیدن به پیروزی بود؛ اول، تجهیزات مناسب برای این تاکتیک که به کمک آن، نیروها بتوانند با سرعت قابل ملاحظه‌ای حرکت کنند و دوم، انتخاب مسیر مناسب برای رسیدن به تهران. مورد اول با بهره‌گیری از تانک‌های شش چرخ برزیلی با چرخ‌های لاستیکی و سایر تجهیزات تندر و که از رژیم بعثی عراق کسب کرده بودند، محقق شده بود. در مورد انتخاب مسیر نیز، سازمان دو مسیر پیش رو داشت: یا به سمت اهواز پیشروی کند و یا از طریق کرمانشاه و از مرز خسروی وارد ایران شود و با استفاده از محور قصرشیرین - کرمانشاه خود را به باختران، سپس به همدان، قزوین و سرانجام به تهران برساند. رهبران سازمان راه دوم را برگزیدند و پیشروی خود را به قصد فتح تهران ادامه دادند اما در میانه راه دو عامل مهم، مانع از حرکت نیروهای آنان شد که سرانجام منجر به شکست سخت آنها از نیروهای خودی گردید: (۱) در محدوده دشت حسن‌آباد و محور اسلام‌آباد غرب - کرمانشاه، ترافیک و راه‌بندان شدیدی از مردم جنگ‌زده که به بیرون شهر گریخته بودند، به وجود آمده بود و مانع از این می‌شد که دشمن بتواند مسیر خود را طی کند و همین امر سبب ایجاد تأخیر در حرکت آنان شده بود؛ (۲) پس از آنکه نیروهای سازمان به تنگه چهارزبر رسیدند، از حملات نیروهای ارتش و هوانیزو که در تنگه چهارزبر کمین کرده بودند غافلگیر شده و مورد حملات گسترده‌ای قرار گرفتند. دو عامل مذکور که ارتباط زیادی با عوامل و عوارض جغرافیایی دارد، نقش زیادی در شکست سازمان در عملیات فروغ جاویدان داشت و برگ برنده جمهوری اسلامی ایران در عملیات مرصاد به شمار می‌آمد. این امر نشان می‌دهد که نقش عوامل جغرافیایی در عملیات‌های نظامی بسیار قابل توجه است و با گذشت زمان و علیرغم پیشرفت‌های متعدد در علوم و فنون نظامی، همچنان در معادلات جنگی حائز اهمیت هستند. بنابراین، با توجه به سؤال ابتدایی تحقیق حاضر مبنی بر چگونگی نقش عوامل جغرافیایی در شکست عملیات فروغ جاویدان و پیروزی نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران در عملیات مرصاد، می‌توان به این نتیجه رسید که عواملی چون وجود تنگه‌های استراتژیکی مانند تنگه چهارزبر و نیز اهمیت خطوط ارتباطی جاده‌ای و لزوم سهولت حرکت در آن، در نتیجه عملیات‌های فوق‌الذکر نقش غیرقابل انکاری داشته است.

منابع

- بهمنی، محمد مسعود (۱۳۹۳). منافقین در کمینگاه مرصاد، چاپ اول، تهران، انتشارات ایران سبز.
- تزو، سان (۱۳۹۸). هنر جنگ، ترجمه محمدجواد نعمتی، چاپ دوم، تهران، نشر یوشینا.
- جبهه فیلیپین متحد (۱۳۵۸). در تدارک انقلاب، پیرامون مبارزات خلق فیلیپین جبهه فیلیپین متحد، بی‌جا، انتشارات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران.
- جی‌آپ، وو نوین (۱۳۵۸). جنگ خلق - ارتش خلق، چاپ دوم، بی‌جا، انتشارات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران.
- چوخاچی زاده مقدم، محمدباقر و امینی قشلاقی، امینی (۱۳۸۸). اهمیت نظامی شبکه‌های ارتباطی مرزی استان آذربایجان شرقی. پژوهش‌های جغرافیای طبیعی، ۶۸، ۱۰۴-۸۵.
- حسینی، قاسم و صفری، فرامرز (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل دلایل تهاجم و شکست منافقین در عملیات فروغ جاویدان و دستاوردهای عملیات مرصاد. فصلنامه جامع دفاع مقدس، ۲ (۳)، ۱۸۳-۱۴۹.
- حسینی، سید ناصر (۱۳۹۹). نقش شهید صیاد شیرازی در سه مقطع حساس از جنگ ایران و عراق به‌عنوان انسجام‌دهنده نیروهای مسلح. فصلنامه علوم و فنون نظامی، ۱۶ (۵۴)، ۱۴۸-۱۱۹.
- حق‌بین، مهدی (۱۳۹۲). از مجاهدین تا منافقین، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- درخشان، پرویز (۱۳۹۰). سرگذشت من با مجاهدین خلق ۱۳۸۷-۱۳۸۰، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دل‌آشوب، هادی (۱۳۹۸). واکاوی عملکرد مسعود رجوی در تبدیل سازمان مجاهدین خلق به یک فرقه تروریستی. استاد راهنما: میرهادی حسینی، رساله دکتری تخصصی، رشته تاریخ گرایش تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی.
- رضایی حسین‌آباد، سعید (۱۳۹۲). بررسی نقش سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در جنگ هشت ساله ایران و عراق. استاد راهنما: محمد پیری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ دوره اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- روجوشکی، ا. ج (۱۳۸۶). فرهنگ تشریحی جغرافیا، ترجمه علیرضا صالحی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشیار.
- روزنامه اطلاعات، مروی بر تجاوزات رژیم عراق پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، شماره ۱۸۵۲۲، سه‌شنبه ۴ مرداد ۱۳۶۷.
- سالنامه آماری استان کرمانشاه (۱۴۰۰). فصل اول: سرزمین و آب‌وهوا، مرکز آمار ایران.
- سنائی فر، یونس (۱۳۸۹). جغرافیای نظامی ایران، چاپ اول، تهران، دانشگاه افسری امام علی (ع).

سیداسماعیلی، سید حجت (۱۳۹۶). خداوند اشرف، چاپ دوم، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

شبانی، ناصر (۱۳۸۵). عملیات فروغ جاویدان بن بست در استراتژی. مطالعات جنگ ایران و عراق، ۵ (۱۷)، ۸۵-۱۰۵.

شجاعی طباطبایی، سید مسعود (۱۳۹۱). منافقین در مهلکه خودساخته. پاسدار اسلام، ۳۱ (۳۶۸)، ۵۹. شریفی، خدیجه؛ کریمی‌نیا، محمدمهدی و انصاری‌مقدم، مجتبی (۱۴۰۰). بازکاوی آسیب‌شناسانه عوامل آشوب‌های داخلی در انقلاب اسلام. دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۴ (۴۱)، ۱۴۶-۱۵۸. شورای ملی مقاومت؛ بیانیه، پیام، اطلاعیه... (۱۳۶۶). پیام مسعود رجوی به مناسبت تأسیس «ارتش آزادبخش ملی»، شورا، ۳۲، ۱۰۶-۱۰۴.

صدرشیرازی، محمدعلی (۱۳۹۲). عملیات مرصاد و سرنوشت منافقین، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

صفوی، سید یحیی (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی (قسمت سوم). اطلاعات جغرافیایی سپهر، ۹ (۳۴)، ۶-۱۳.

صفوی، سید یحیی (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی (قسمت شانزدهم) شبکه ارتباطی. اطلاعات جغرافیایی سپهر، ۱۲ (۴۸)، ۱۹-۱۷.

صفوی، سید یحیی (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی (قسمت هجدهم)، اطلاعات جغرافیایی سپهر، ۱۳ (۵۱)، ۵-۸.

عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۳). ژئواستراتژی و قرن بیست و یکم، چاپ هشتم، تهران، انتشارات سمت. غلامعلیان، امیر (۱۳۸۹). کاربرد جغرافیای نظامی در طرح‌ریزی‌های عملیاتی. علوم و فنون نظامی، ۷ (۱۸)، ۳۳-۵۰.

کالینز، جان. ام (۱۳۸۳). جغرافیای نظامی، ترجمه عبدالمجید حیدری، سید احمدرضا یکانی‌فرد، پرویز سلیمانی مقدم، احمدرضا تقاء، چاپ اول، تهران، دوره عالی جنگ، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه. کریمی، شهرام (۱۳۹۷). مواضع و عملکرد امام خمینی (ره) در قبال سازمان مجاهدین خلق. استاد راهنما: مهدی نادری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی، گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد.

کریمی، مرتضی؛ شاه‌زیدی، سمیه‌سادات و جعفری، ابراهیم (۱۳۹۸). بررسی تأثیر توپوگرافی بر دفاع سرزمینی مطالعه موردی: محور استراتژیک قصرشیرین - کرمانشاه. اطلاعات جغرافیایی سپهر، ۲۸ (۱۰۹)، ۲۳۹-۲۵۷.

کفاش جمشید، محمدرضا (۱۳۸۰). بررسی شکست سازمان مجاهدین خلق در عملیات فروغ جاویدان. مجله سیاست دفاعی، ۳۴، ۱۸۶-۱۸۳.

گنجهای، جلال (۱۳۶۵). پرواز تاریخساز صلح و آزادی. ماهنامه شورا، ۲۰ و ۲۱، خرداد و تیر ۱۳۶۵، ۷۴-۵۷.

محقق، محمدحسن (۱۳۹۳). اسرار مکتوم، تهران، نشر ۲۷ بعثت.

مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (۱۳۸۵). سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام (۱۳۸۴-۱۳۴۴)، جلد سوم، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.

مؤمنی، محسن (۱۳۹۸). در کمین گل سرخ، چاپ بیست‌وهشتم، تهران، انتشارات سوره مهر.

نشریه ۱۹ بهمن، بیانیه جبهه آزادیبخش ملی ایران، شماره اول، بهمن‌ماه ۱۳۵۰.

نشریه مجاهد، درسهایی از جنگ ایران و عراق (۳)، سال دوم، شماره ۱۰۶، سه‌شنبه ۱۳۵۹/۱۰/۳۰.

نشریه مجاهد، درسهایی از جنگ ایران و عراق، سال دوم، شماره ۱۰۴، سه‌شنبه ۱۳۵۹/۱۰/۱۶.

نشریه مجاهد، «گزارش به خلق قهرمان ایران: مجاهدین خلق در جبهه‌های مقاومت»، سال دوم، شماره فوق‌العاده، شنبه ۱۳۵۹/۰۸/۱۰.

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۹۰). کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۶۷: پایان دفاع آغاز بازسازی، به اهتمام علیرضا هاشمی، چاپ پنجم، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب.

Banderet, Louis E. and Shukitt-Hale, Barbara (2002). Cognitive Performance, Mood, and Neurological Status at High Terrestrial Elevation. *Medical Aspects of Harsh Environments*, 2, 725-759.

Haning, Trey (2009). Geography of War: The Significance of Physical and Human Geography Principles. *FOCUS on Geography*, 52 (1), 36-32.

Huthwaite, M. P. (1941) The Tactics of the Blitzkrieg, Royal United Services Institution, *Journal*, 86 (541), 34-43.

Langwill, Minnie J. (1914). Historic Mountain-Passes of the World. *Journal of Geography*, 12 (7), 193-197.

Pherudi, Mokete Lawrence (2001). The Lesotho Liberation Army (LLA): Formation, Mission and Schisms. *South African Historical Journal*, 45 (1), 266-277.

Tannheimer, Markus and Lechner, Raimund (2022). History of mountain warfare. *Health Promotion and Physical Activity*, 21 (4), 46-53.

Vergara, Mauricio Nicolas; Bondesan, Aldino and Ferrarese, Francesco (2017). GIS analysis of the trafficability determined by slope in the eastern Tyrol front (WWI, Eastern Alps): a military history reading. *Cartography and Geographic Information Science*, 45 (6), 477-494.

Wiebe, Kelsey (2019). London's Blitz and Dresden's Firestorm: Britain's Bombing Initiative as a Response to Germany's Blitzkrieg Tactics During the Second World War. *Hipo*, 2, 37-42.